بسم الله الرحمن الرحیم

**جلسه شماره 23**

۰۶/ ۰۸/ ۸۸ اعتبارات ماهیت

**مطلق ومقید**

**ادامه بحث از اعتبارات ماهیت**

شهید مطهری می فرمایند این مساله در کلمات خواجه طوسی و بعد ها در کلمات سایر فلاسفه آمده است و سپس وارد مباحث اصولی شد. خواجه طوسی لابشرط را که در نظر می گیرند، رابطه ماهیت و وجود را لحاظ می کنند. می فرمایند ماهیت گاهی بشرط وجود است و گاهی بشرط عدم وجود است و گاهی لابشرط از وجود و عدم. به هر حال اطلاق را نسبت به وجود لحاظ می کنند.

در علم اصول این بحث را تعمیم دادند و ماهیت را نسبت به همه اوصاف خارجی لحاظ کردند. مشکلی که اینجا هست این است که ما یک لابشرط قسمی داریم و یک لابشرط مقسمی. تفاوت اینها در چیست؟

**تفاوت لابشرط قسمی و لابشرط مقسمی**

مقسم همیشه نسبت به افراد جنبه لابشرطی دارد. مثلا کلمه نسبت به معنای اسمی لابشرط است و الزاما این گونه نیست که معنای مستقل داشته باشد یا این که حتما مقترن به زمان نباشد. حال اگر یکی از اقسام، خود لابشرط باشد، مقسم را چگونه باید تحلیل کرد تا در محذور اتحاد مقسم و قسم نیفتیم.

برای حل این مشکل راه حلی مرحوم آقای بروجردی مطرح کردند و راه حلی در کلمات شهید مطهری که شبیه کلمات شهید صدر است، مطرح شده است. همچنین در کلمات مرحوم آقای خویی هم تقریبی مطرح شده است که به نقل شهید مطهری نظیر آن در کلمات حاجی سبزواری آمده است و آن این که لابشرط قسمی را مقید به قید ارسال دانستند. در واقع لابشرط مقسمی از تقید حتی قید ارسال هم لابشرط است، ولی لابشرط قسمی مقید به قید ارسال می باشد.

مرحوم آقای مطهری در اینجا کلامی از مرحوم آقا علی مدرس نقل کرده است که با توجه به آن اشکال بحث را به گونه ای دیگر مطرح می کنیم و آن این که لابشرط را به شکل دیگری هم می توان تصویر کرد که قسیم اعتبارات ثلاث شود. این قسم از لابشرط قسمی که خود اعتبار چهارمی برای ماهیت است، چه تفاوتی با لابشرط مقسمی دارد.

به تعبیر شهید صدر مطمئمنا ما یک مفهومِ معقولِ اولیِ انسان داریم که قید ارسال هم در آن نیست و این معقول اولی که قابل انطباق بر خارج حاکی از آن است و با آنها اتحاد مفهومی ندارد.

**کلام مرحوم آقای بروجردی در فرق لابشرط قسمی و لابشرط مقسمی**

مرحوم آقای بروجردی سه اعتبار برای ماهیت ذکر کرده و ماهیت لابشرط قسمی را همان معنای معرّا از قید وجودی و عدمی دانسته اند که ظاهر تغییر لابشرط هم با همین تفسیر سازگار است. ایشان می فرمایند مشکل ما از آن جا ناشی شده که اقسام سه گانه را اقسام خود ماهیت دانسته ایم. در حالی که این اقسام، مربوط به لحاظ انسان است؛ یعنی در نفس انسان، در ارتباط با انسان، سه گونه لحاظ وجود دارد؛ گاهی لحاظ انسان همراه با قید وجودی عالم و گاهی همراه با قید عدمی عالم است و گاهی لحاظ انسان از قید معرا است. پس مشکل از اساس مندفع است. لابشرط مقسمی نسبت به معرا بودن یا نبودن لحاظ، لابشرط است؛ بخلاف لابشرط قسمی که لحاظی است که معرا از قید است و به تعبیر ما مفهوم تک جزیی می باشد.

**بررسی کلام مرحوم آقای بروجردی**

شهید مطهری در پاسخ این راه حل می فرمایند که اعتبار و معتبر یکی است. لذا مشکل حل نشده باقی می ماند. ما این پاسخ را ما این گونه تقریب می کنیم که درست است که ذهن انسان اعتبار و معتبر را دو گونه ملاحظه می کند، ولی فرق این دو، یک فرق حقیقی نیست. معنا ندارد سه گونه تصور در ذهن ما باشد، ولی سه گونه متصور نداشته باشیم. متصور و تصور حقیقۀ یکی هستند و لو این که انسان می تواند آنها را به دو شکل لحاظ کند. مقوم اعتبار همان معتبر است. معنا ندارد سه اعتبار داشته باشیم، ولی سه معتبر نداشته باشیم. مثلا ایجاد زید و وجود پیدا کردن یک حقیقت هستند و اختلاف آنها صرفا اختلاف در دو عنوان انتزاعی است، ولی منشا انتزاع آنها یکی است. همچون ایجاد و وجود. اعتبار فعل نفس است و معتبر صورت حاصله در نفس. ولی این مقدار تفاوت سبب نمی شود که اینها امکان انفکاک از هم را داشته باشند. وجود یک معتبر در ذهن با فعل نفسانی که آن را ایجاد کرده است، در واقع یک حقیقت است.

این بحث، شبیه بحثی است که در فلسفه مطرح شده که علم و عالم و معلوم یکی هستند ( مساله اتحاد عاقل و معقول ). علم حالت نفسانی است که تحقق آن به تحقق نفسانی معلوم است. این گونه نیست که اینها دو وجود منحاز از هم داشته باشد. تصور کردن با متصور در نفس دو وجود ندارند. معنا ندارد که سه گونه تصور داشته باشیم، ولی سه گونه متصور نداشته باشیم.

خلاصه این که اعتبار و معتبر مانند ایجاد و وجود یا علم و معلوم دو تعبیر از یک حقیقت هستند که تفاوت آنها صرفا تفاوت عناوین انتزاعی است با وحدت منشا انتزاع. تفاوت عناوین انتزاعی مانند آمدن و رفتن است که هر دو تعبیر از یک حقیقت هستند؛ با این تفاوت که در آمدن و رفتن وجود خارجی

آنها یکی است. ولی وجود ذهنی آنها متفاوت است با این که در اعتبار و معتبر، وجود ذهنی آنها هم یکی است.

 به هر حال وقتی ما سه گونه اعتبار داریم، سه گونه معتبر هم در ذهن وجود دارد. لذا این سوال که فرق لابشرط قسمی و لابشرط مقسمی در چیست، هنوز پاسخ خود را دریافت نکرده است.